رسم‌الخط مجله‌ی
پشتبام

تیر ۱۴۰۵

متن این رسم‌الخط را گروه ویرایش مجله‌ی پشت‌بام با بررسی «دستور خط فارسی» فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۴)، «شیوه‌نامه»ی مرکز نشر دانشگاهی (۱۳۷۲) و شیوه‌ی نگارشی که از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳ در مجله‌ی پشت‌بام معمول بود تدوین کرده است. مجله‌ی پشت‌بام بر آن است که با استفاده از این رسم‌الخط رویکردی مبتنی بر قواعد مشخص نگارشی در پیش گیرد. امید است این رسم‌الخط برای دیگر پژوهشگران و نویسندگان محترم حوزه‌ی تجسمی نیز سودمند باشد.

گروه سردبیری مجله‌ی پشت‌بام
تیر ۱۴۰۵

فهرست مدخل‌ها

آ
ای
این، آن
بـ
بـه
بی
ترو ترین
تشدید
تنوین
چه
را
صورت متصل فعلِ «است» (داناست، نیکوست، نورانی است، چیست، کیست)
صورت‌های متصل فعل «بودن» درزمان حال (ام، ای، است، ایم، اید)

اند (مستضعفند، راضیند)
ضمایرملکی (بارانیم، بارانیمان)

فواصل (درنشانه‌گذاری) میان پرانتزو کروشه و...)

کسره‌ی اضافه (فرمانده سپاه)
که
مرکب (کلمات مرکب)
می

«واو عطف» و «واو میان‌وند» (گفت‌وگو، جست‌وجو، آه‌وناله)

ویرگول (کاربردها)

ها

هم

همزه

همی

همین، همان

هیچ

آ

درکلماتی مثل «آموختن» و «آوردن»، هرگاه حرف «آ» به حرف پیش از خود متصل شود، سرکش آن حذف می‌شود.

بنویسیم	ننویسیم
بیاموز	بیآموز
بیاورند	بیآورند

ای

(حرف ندا) همیشه جدا ازمنادا نوشته می‌شود:
ای خدا، ای که

این، آن

همواره جدا از جزء و کلمه‌ی پس از خود نوشته می‌شود.
استثنا :**آنچه، آنکه، اینکه، اینجا، آنجا، وانگهی، اینچنین، آنچنان، آنگاه**

درسایر ترکیب‌ها، جدا و با نیم‌فاصله نوشته می‌شود:
آن‌قدر، این‌گونه، آن‌طور، این‌سان...

بـ (جزء پیشین فعل)

همیشه به جزء پسین فعل متصل می‌شود:
بگفتم، بروم، بنماید، بگفتن (= گفتن)

هرگاه «**ب زینت**»، «**ن نفی**» و«**م نهی**» بر سر افعالی که با الفِ مفتوح یا مضموم آغاز می‌شوند بیاید (مانند **انداختن، افتادن، افکندن**) «الف» در نوشتار حذف می‌شود و به جایش «ی» میانجی می‌آید:

بنویسیم	ننویسیم
بیندازم	بیاندازم
بیفکنید	بیافکنید
بیفشانیم	بیافشانیم
نیندازم	نیاندازم
میفکن	میافکن

بـه

در این حالت‌ها به کلمه‌ی پس از خود می‌چسبد:

۱. هرگاه به صورتِ **بدین، بدان، بدو، بدیشان** به کار رود.

۲ .هرگاه صفت بسازد:

بخرد، بشکوه، بهنجار، بنام

«**به**» در سایر موارد جدا نوشته می‌شود:

به برادرت گفتم، به سربردن، به آواز بلند، به سختی، منزل به منزل، به نام خدا

- در عبارت‌های قیدی، «به» را با نیم‌فاصله از کلمه‌ی بعد می‌نویسیم:

بنویسیم	ننویسیم
به‌ویژه	به ویژه / بویژه
به‌خصوص	به خصوص / بخصوص
به‌خوبی	به خوبی / بخوبی
به‌سرعت	به سرعت
به‌شدت	به شدت / بشدت

-حرف «ب» که در آغاز بعضی از ترکیب‌های عربی می‌آید از نوعِ حرف اضافه‌ی فارسی نیست و پیوسته به کلمه‌ی بعد نوشته می‌شود:

بعینه، بنفسه، برأی العین، بشخصه، مابازاء، بذاته

بی

همیشه جدا از کلمه‌ی پس از خود و با نیم‌فاصله نوشته می‌شود.

استثنا: بیهوده، بیخود، بیراه، بیچاره، بینوا، بیجا، بیداد، بیزار، بیکار، بیعار، بیراهه

بنویسیم	ننویسیم
بی‌شعور	بی شعور/ بیشعور
بی‌مرگ	بی مرگ/ بیمرگ
بی‌پول	بی پول
بی‌تربیت	بی تربیت

تر و ترین

همواره جدا از کلمه‌ی پیش از خود (با نیم‌فاصله) نوشته می‌شود، مگر در:

بهتر، مهتر، کهتر، بیشتر، کمتر

تشدید

نوشتن تشدید الزامی نیست، مگر در مواردی که نبودش موجب ابهام شود:

معین/معیّن؛ علی/عِلّی؛ دوار/دوّار؛ کره/کرّه؛ بنا/بنّا

تنوین

نوشتن تنوین، به جز در مواردی که نبودش موجب ابهام شود، الزامی نیست. تنوین، که صرفاً در کلمات وارد شده از زبان عربی به کار می‌رود و به هیچ وجه نباید آن را برای کلمات فارسی به کار برد، ذاتاً با حرف نون متفاوت است و نباید به جای نوشتن تنوین به آخر کلمه «ن» افزود:

بنویسیم	ننویسیم
مثلا / مثلاً	مثلن
واقعا / واقعاً	واقعن
کاملا / کاملاً	کاملن

برای افزودن تنوین به کلمات مختوم به همزه (ء)، همزه روی کرسی می‌نشیند و تنوین روی «الف» بعد از آن قرار می‌گیرد:

جز / جزء ← **جزئاً**

استثنا / استثناء ← **استثنائاً**

ابتدا / ابتداء ← **ابتدائاً**

چه

- جدا از کلمه‌ی پس از خود نوشته می‌شود، مگر در:
چرا، چگونه، چقدر، چطور

- همواره به کلمه‌ی پیش از خود می‌چسبد:
آنچه، چنانچه، خوانچه، کتابچه، ماهیچه، کمانچه

را

در همه جا جدا از کلمه‌ی پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در:
چرا

صورت متصل فعلِ «است»

وقتی که کلمه‌ی پیش از «است» به «ا» (â) یا «و» (u) ختم شود، بدون «الف» نوشته می‌شود:

بنویسیم	ننویسیم
داناست	دانا است
زیباست	زیبا است
خشروست	خشرو است
نیکوست	نیکو است

در سایر موارد «است» با «الف» نوشته می‌شود:

بنویسیم	ننویسیم
کدام است	کدامست
ناتوان است	ناتوانست
بازاست	بازست
زنده است	زندست
نورانی است *	نورانیست

* استثنا: «**چیست**» و «**کیست**»

صورت‌های متصل فعل «بودن» در زمان حال (ام، ای، است، ایم، اید)

۱. اگر پس از کلمه‌ای بیایند که مختوم به حرف صامت یا مصوت مرکبow باشد، حرف «الف» آنها حذف می‌شود و باقی‌مانده به حرف صامت می‌چسبد:

خشنود + ام ← **خشنودم**

خوشحال + ای ← **خوشحالی**

رهرو + اید ← **رهروید**

۲. اگر پس از کلمه‌ای قرار گیرند که مختوم به «ـه» غیر ملفوظ باشد، الف آنها باقی می‌ماند (با نیم‌فاصله):

آزاده + ام ← **آزاده‌ام**

فرزانه + اید ← **فرزانه‌اید**

۳. اگر پس از کلمه‌ای قرار گیرند که مختوم به مصوت «ا» (â) یا «و» (u) باشد، «الف» آنها تبدیل به «ی» می‌شود:

توانا + ام ← **توانایم**

گویا + ای ← **گویایی**

خوشخو + ایم ← **خوشخوییم**

دانشجو + اید ← **دانشجویید**

٤. اگر پس از کلمه‌ای قرار گیرند که مختوم به مصوت «ی» (i) باشد، «الف» تبدیل به «ی» می‌شود و «ی» از کلمه‌ی قبلی حذف می‌شود:

ایرانی + ام ← **ایرانیم**

ایرانی + ای ← **ایرانیی**

ایرانی + ایم ← **ایرانییم**

ایرانی + اید ← **ایرانیید**

اند

وقتی که کلمه‌ی پیش از «اند» (سوم شخص جمع مضارع فعل «بودن») به مصوت «ا» (â) یا «و» (u) مختوم باشد، «اند» به شکل «ند» نوشته می‌شود:

بنویسیم	ننویسیم
توانایند	تواناند
دانشجویند	دانشجواند

در سایر موارد، «اند» به صورت «ند» نوشته می‌شود:

بنویسیم	ننویسیم
خشنودند	خشنوداند
نافذند	نافذاند
مسرورند	مسروراند
کارسازند	کارسازاند
دیوند	دیواند
رهروند	رهرواند
خندانند	خندان‌اند
مؤدبند	مؤدب‌اند
مستضعفند	مستضعف‌اند
متفننند	متفنن‌اند
راضیند	راضی‌اند

ضمایر ملکی

ضمایر پیوسته‌ی «ـَ م، ـَ ت، ـَ ش، ـِ مان، ـِ تان، ـِ شان»

اگر پس از کلمه‌ی مختوم به حرف صامت یا مصوت مرکب ow قرار گیرند، به آن می‌چسبند:

کتاب + ـَ م ← **کتابم**

دفتر + ـَ ت ← **دفترت**

قلم + ـِ مان ← **قلممان**

لباس نو + ـِ تان ← **لباس نوتان**

گندم و جو + ـِ شان ← **گندم و جوشان**

اگر پس از کلمه‌ای قرار گیرند که مختوم به «ه» غیر ملفوظ باشد، سه ضمیر جمع بدون تغییر به آن می‌چسبند، ولی به سه ضمیر مفرد یک حرف «الف» افزوده می‌شود:

جامه + ـَم ← **جامه‌ام**

جامه + ـَت ← **جامه‌ات**

جامه + ـَش ← **جامه‌اش**

جامه + ـِ مان ← **جامه‌مان**

جامه + ـِ تان ← **جامه‌تان**

جامه + ـِ شان ← **جامه‌شان**

اگر پس از کلمه‌ای قرار گیرند که مختوم به مصوت‌های «ا» (â) و «و» (u) باشد، به صورت «یم»، «یت»، «یش»، «یمان»، «یتان»، «یشان» درمی‌آیند:

کتاب‌ها + ـَم ← **کتاب‌هایم**

کتاب‌ها + ـَت ← **کتاب‌هایت**

کتاب‌ها + ـِ مان ← **کتاب‌هایمان**

گفت‌وگو + ـَش ← **گفت‌وگویش**

جست‌وجو + ـِ شان ← **جست‌وجویشان**

اگر پس از کلمه‌ای قرار گیرند که مختوم به مصوت «ی» (i) باشد، به این صورت نوشته می‌شوند:

بارانی + ـَم ← **بارانیم**

بارانی + ـَت ← **بارانیت**

بارانی + ـَش ← **بارانیش**

بارانی + ـِمان ← **بارانیمان**

بارانی + ـِتان ← **بارانیتان**

بارانی + ـِشان ← **بارانیشان**

فواصل (درنشانه‌گذاری)

قبل از هیچ‌یک از علائم زیر فاصله‌ای وجود ندارد و بعد از آنها یک فاصله‌ی کامل وجود دارد:

نقطه (.)، ویرگول (،)، نقطه‌ویرگول (؛)، دو نقطه (:)، سه نقطه (...)، اسلش (/)، علامت سوال (؟)، علامت تعجب (!)

بنویسیم	ننویسیم
می‌آییم، می‌رویم. شما چطور؟	می آییم ،می رویم . شما چطور؟

قبل و بعد از همه‌ی علائم زیر یک فاصله‌ی کامل وجود دارد ولی با آنچه درونشان قرار می‌گیرد فاصله‌ای ندارند:

گیومه، پرانتز، خط فاصله، کروشه.

بنویسیم	ننویسیم
به پایان رسید. (۱۴۰۳)	به پایان رسید.(۱۴۰۳)

کسره‌ی اضافه

کسره‌ی اضافه، که میان مضاف و مضافٌ‌الیه یا صفت و موصوف قرار می‌گیرد، اگر بعد از کلمه‌ای بیاید که مختوم به مصوت باشد، به ناچار به همراه حرف صامتی نوشته می‌شود که اصطلاحاً به آن «صامت میانجی» می‌گویند. این صامت میانجی در اکثر موارد «ی» (y) و در بعضی موارد «و» (v) است:

ماهی + دریا ← **ماهی دریا**

طلا + خالص ← **طلای خالص**

بعد از «ه» غیر ملفوظ، صامت «ی» با نیم‌فاصله به کلمه افزوده می‌شود:

خواننده + روزنامه ← **خواننده‌ی روزنامه**

جامه + سیاه ← **جامه‌ی سیاه**

بنویسیم	ننویسیم
مایه‌ی مسرت	**مایه مسرت / مایهٔ مسرت**
سایه‌ی درخت	**سایهٔ درخت / سایه درخت**

اما بعد از «ه» ملفوظ، صامت «ی» افزوده نمی‌شود:

بنویسیم	ننویسیم
فرمانده سپاه	**فرمانده‌ی سپاه / فرماندهٔ سپاه**
گاو شیرده بزرگ	**گاو شیرده‌ی بزرگ / گاو شیردهٔ بزرگ**

بعد از مصوت مرکب ow، در گفتار، صامت میانجی «و» (v) می‌آید، اما در نوشتار علامتی نمی‌گیرد:

راهرو + باریک ← **راهروِ باریک**

خسرو + خوبان ← **خسرو خوبان**

درآن دسته ازکلمات عربی که به الف + همزه (اء) ختم می‌شوند، همزه‌ی آنها به «ی» تبدیل می‌شود:

علما / علماء + بزرگ ← **علمای بزرگ**

املا / املاء + کلمه ← **املای کلمه**

اما همزه‌ای که بعد ازحروف دیگر می‌آید، به همان صورت همزه نوشته می‌شود:

شیء + عجیب ← **شیء عجیب**

جزء + ناچیز ← **جزء ناچیز**

سوء + نیت ← **سوء نیت**

درآن دسته ازترکیب‌های اضافی که کسره‌ی اضافه‌ی آنها اغلب تلفظ نمی‌شود، فاصله‌ی میان اجزا را به شکل نیم‌فاصله می‌نویسیم. مانند:

سیب‌زمینی، آب‌میوه، آب‌لیمو، حاصل‌ضرب

که

جدا ازکلمه‌ی پیش ازخود نوشته می‌شود:
چنان که، آن که (= آن کسی که)
استثنا: **بلکه، آنکه** و **اینکه** (هنگامی که آن و این به معنای آن یا این کس و چیز نباشد.)

مرکب (کلمات مرکب)

الف) کلمات مرکبی که الزاماً پیوسته نوشته می‌شوند

کلمات مرکبی که از ترکیب با پسوند ساخته می‌شود همیشه پیوسته نوشته می‌شود، مگر هنگامی که:

۱. حرف پایانی جزء اول با حرف آغازین جزء دوم یکسان باشد:

نظام‌مند، آب‌بان

۲. جزء اول آن عدد باشد:

پنج‌گانه، ده‌گانه، پانزده‌گانه، شش‌ماهه، یک‌ساله

استثنا: روزهای هفته (**یکشنبه، دوشنبه، پنجشنبه**)، **یکتا، بیستگانی** (واحد پول)

تبصره: پسوند «وار» از حیث جدا و پیوسته‌نویسی تابع قاعده‌ای نیست. در بعضی کلمه‌ها جدا (با نیم‌فاصله) و در بعضی پیوسته نوشته می‌شود:

طوطی‌وار، فردوسی‌وار، پری‌وار

بزرگوار، سوگوار، خانوار

ب) کلمات مرکبی که الزاماً جدا نوشته می‌شوند

۱. ترکیب‌های اضافی (صفت و موصوف، مضاف و مضافٌ‌الیه):

دست کم، شورای عالی، صرف نظر*

* میان جزء اول و دوم این‌گونه ترکیب‌ها فاصله‌ی کامل وجود دارد.

۲. وقتی جزء دوم ترکیب با «الف» آغاز شود:

دل‌انگیز، عقب‌افتادگی، کم‌احساس

۳. وقتی آخرین حرف جزء اول با نخستین حرف جزء دوم همسان یا هم‌مخرج باشد، اجزای ترکیب با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند:

آیین‌نامه، پاک‌کن، کم‌مصرف، چوب‌بری، چوب‌پرده

۴. مرکب‌های اتباعی و نیز مرکب‌های متشکل از دو جزء مکرر:

سنگین‌رنگین، پول‌مول، تک‌تک، هق‌هق، قارقار، واق‌واق

۵. مصدر مرکب و فعل مرکب:

سخن گفتن، نگاه داشتن، سخن گفتم، نگاه داشتم *

* میان جزء اول و دوم این‌گونه ترکیب‌ها فاصله‌ی کامل وجود دارد.

۶. مرکب‌هایی که یک جزء آنها کلمه‌ی دخیل فرنگی باشد:

خوش‌پز، شیک‌پوش

۷. عبارت‌های عربی شامل چند جزء:

مع ذلک، من بعد، علی هذا، ان شاء الله، مع هذا، باری تعالی، حقّ تعالی، علی ایّ حال

۸. یک جزء از واژه‌های مرکب عدد باشد:

هشت‌بهشت، پنج‌تن، هفت‌گنبد، هجده‌چرخ *

*استثنا: **یکسره، یکپارچه**

۹. وقتی جزء اول کلمه‌ی مرکب به «ه» غیرملفوظ ختم شود:

بهانه‌گیر، پایه‌دار، گوشه‌گیر، کناره‌گیری

تبصره: کلمه‌هایی مانند «**تشنگان، خفتگان، هفتگی، بچگی**» که در ترکیب، «ه» غیرملفوظ آنها به «گ» میانجی تبدیل می‌شود از این قاعده مستثنایند.

۱۰. کلمه‌های طولانی، نامأنوس یا احیاناً پردندانه که پیوسته‌نویسیشان موجب دشواری در خواندن می‌شود:

عافیت‌طلبی، مصلحت‌بین، پاک‌ضمیر، حقیقت‌جو

۱۱. یک جزء کلمه‌ی مرکب صفت مفعولی یا صفت فاعلی باشد:

اجل‌رسیده، نمک‌پرورده، اخلال‌کننده، پاک‌کننده

۱۲. یکی از اجزاء اسم خاص باشد:

سعدی‌صفت، عیسی‌دم

۱۳. هرگاه با پیوسته‌نویسی، اجزای ترکیب معلوم نشود و ابهام معنایی پدید آید:

خوش‌پوش، خوش‌عکس، خوش‌نیت، شاه‌نشین، پاک‌نام، پاک‌دامن، پاک‌رای، خوش‌بیاری

عبارات مرکبی را که میان اجزایشان «واو عطف» و «واو میان‌وند» قرار گرفته باشد با نیم‌فاصله می‌نویسیم. *

بنویسیم	ننویسیم
گیرودار	گیر و دار
گفت‌وگو	گفتگو
جست‌وجو	جستجو
هست‌ونیست	هست و نیست
بودونبود	بود و نبود
زدوخورد	زد و خورد
پس‌وپیش	پس و پیش
کم‌وبیش	کم و بیش
پخت‌وپز	پخت و پز
رفت‌وآمد	رفت و آمد
سازوکار	ساز و کار
ساخته‌وپرداخته	ساخته و پرداخته
سوزوگداز	سوز و گداز
آه‌وناله	آه و ناله

* اعداد از از این قاعده مستثنایند و آنها را با فاصله‌ی کامل از واو عطف می‌نویسیم:
یک‌میلیون و دویست و پنجاه‌هزار

می

در افعال، نشانه‌ی استمراری «می» همواره جدا از بن فعل و با نیم‌فاصله نوشته می‌شود:
می‌شود، می‌رویم، نمی‌گویند، نمی‌شمارید

ویرگول (کاربردها)

برخلاف اشتباه رایج، در هیچ‌کجا، ویرگول برای مکث یا نفس کشیدن خواننده به کار نمی‌رود.

موارد کاربرد ویرگول (،):

- پس از منادا

گفت: ای پسر، خیال محال از سر به در کن.

- برای عطف سازه‌های هم‌پایه

سرداران، برادران، خواهران، به شهر ما خوش آمدید.

(سازه‌ی هم‌پایه: منادا)

مردی آزموده، جهان دیده، تلخ و شیرین روزگار چشیده.

(سازه‌های هم‌پایه: صفت)

شب و روز، تنها یا در جمع، آشکارا و نهانی یاد خدا می‌کرد.

(سازه‌های هم‌پایه: قید)

- پس از گروه قیدی (در آغاز جمله) و پیش و پس از آن (در میان جمله)

پس از وقوع زلزله، سازمان‌های امدادی دست به کار شدند.

سازمان‌های امدادی، پس از وقوع زلزله، دست به کار شدند.

- برای مجزا کردن بدل از کل که بین دو ویرگول جای می‌گیرد و جملات معترضه

سعدی، شاعر شیرین سخن شیراز، در نظامیه‌ی بغداد درس خواند.

- برای مجزا کردن عبارت توضیحی

در این ناحیه، انواع غلات، به ویژه گندم، کشت می‌شود.

دکتر افلاطون، که همسایه‌ی ماست، دیروز به عیادت من آمد.

- برای جدا کردن جمله‌ی صله *

*جمله‌ی صله در حکم صفت است که گاهی موصوف را محدود می‌سازد: «مردی که موقع‌شناس باشد، نه هر مردی.» و گاهی هم محدود نمی‌سازد: «معلمی، که شغلی شریف است.»

جمله‌ی صله‌ی تحدیدی مجزا نمی‌شود:

پزشکی که همسایه‌ی ماست دیروز به عیادت من آمد. *

* در این جمله، «پزشک» با افزوده شدن «ی» نکره شده و به همین علت عبارت «که همسایه‌ی ماست» با ویرگول مجزا نمی‌شود.

- به جای حرف عطف، بین جمله‌های هم پایه

می‌آیند، می‌روند، حوایجی دارند، با ما کاری ندارند.

بد مکن که بد افتی، چه مکن که خود افتی.

- برای جدا کردن جمله‌ی قیدی پیرو از جمله‌ی پایه

هرکه سخن ناصحان، اگر چه درشت و بی‌محابا گویند، استماع ننماید عواقب کارهای او از پشیمانی خالی نماند.

اگر شب‌ها همه قدر بودی، شب قدر بی‌قدر بودی.

اگر از مه‌رویان به سلامت بماند، از بدگویان نماند.

- به جانشینی محذوف

سرداران بهرام چوبین رفتند تا کار دشمن بسازند؛ سرداران خسرو، تا به باده‌گساری پردازند.

(در جمله‌ی دوم ویرگول به جای «رفتند» نشسته است.)

- برای جدا کردن اجزای تاریخ یا نشانی

پنجشنبه، ۱۴ مهر

شماره‌ی ۱۵، خیابان انقلاب، تهران (ایران)

در موارد زیر، سازه‌ها با ویرگول از یکدیگر جدا نمی‌شوند:

- از جمله‌ی پیرو اسمی و جمله‌ی صله‌ی تحدیدی از جمله‌ی پایه:

از او پرسیدم که چرا نگران است؟

حکیمی که با جهال درافتد توقع عزت ندارد.

- جمله‌ی پیرو قیدی کوتاه، اگر در آغاز یا پایان جمله‌ی مرکب آمده باشد، از جمله‌ی پایه:

اگر رفتی بردی.

بد مکن که بدافتی.

تا جای نبینند پای ننهند.

- بین اجزای اصلی جمله که بین آنها فاصله نیفتاده باشد.

این کتاب راهنمای معلم است.

ها

(نشانه‌ی جمع) در ترکیب با کلمات، همواره ناپیوسته و با نیم‌فاصله نوشته می‌شود. مگر در:
آنها، اینها

هم

همواره جدا از کلمه‌ی پس از خود نوشته می شود، مگر در موارد زیر:
۱ .کلمه بسیط گونه باشد:
همشهری، همکلاسی، همشیره، همدیگر، همسایه، همین، همان، همچنین، همچنان، همزمان

۲ .جزء دوم تک‌هجایی باشد:
همدرس، همسنگ، همکار، همراه، همدل، همدرد
درصورتی که پیوسته‌نویسی «هم» با کلمه‌ی بعد از خود موجبِ دشوارخوانی شود (مانند **همصنف، همصوت، همتیم**) جدانویسی آن با نیم‌فاصله مرجّح است:
هم‌صنف، هم‌صوت، هم‌تیم

۳ .جزء دوم با مصوتِ «آ» شروع شود:
همایش، هماورد، هماهنگ
درصورتی که قبل از حرف «آ» همزه در تلفّظ ظاهر شود، «هم» جدا (با نیم‌فاصله) نوشته می‌شود:
هم‌آرزو، هم‌آرمان
تبصره: هم، بر سر کلماتی که با «الف» یا «م» آغاز می‌شوند، جدا (با نیم‌فاصله) نوشته می‌شود:
هم‌اسم، هم‌مرز، هم‌مسلک

همزه

حرف «همزه» در کلمات وارد شده از عربی و زبان‌های دیگر به کار می‌رود:

رأفت، تلألو، ائتلاف، ژوئن، پنگوئن، زئوس، نئون

در نوشتار فارسی، در بسیاری موارد، همزه‌ی پایان واژه حذف می‌شود. مانند:

ابتداء ← ابتدا

املاء ← املا

انشاء ← انشا

اعضاء ← اعضا

استثناء ← استثنا

اما در بعضی موارد که حذف همزه‌ی پایانی معنای واژه را تغییر می‌دهد یا موجب بدخوانی می‌شود همزه را حذف نمی‌کنیم. مانند:

بهاء (= درخشندگی، زیبایی) / **بها** (= ارزش، قیمت)

جزء (= بخش، قسمت) / **جز** (= غیر)

سوء (= بدی) / **سو** (= جهت)

لؤلؤ (= مروارید) / **لولو** (= موجودی وهمی که بچه را با آن می‌ترسانند)

خلأ (= جای خالی) / **خلا** (= مستراح)

در نوشتار فارسی در بعضی موارد که نبود همزه موجب دشوارخوانی نمی‌شود، آن را حذف می‌کنیم. مانند:

سؤال ← سوال

رؤیا ← رویا

تأیید ← تایید

تأکید ← تاکید

تأثیر ← تاثیر

مؤثر ← موثر

متأسف ← متاسف

تأمین ← تامین

درکلمات فارسی به کاربردن همزه به جای «ی» غلط است:

بنویسیم	ننویسیم
هواپیمایی	هواپیمائی
دریایی	دریائی
پاییز	پائیز
دارایی	دارائی
روشنایی	روشنائی
آیین	آئین

کلمات زیررا به هردو صورت می‌نویسند، اما برای حفظ یکپارچگی:

بنویسیم	ننویسیم
مسئول	مسؤول
مسأله	مسئله
رئوس	رؤوس
خلأ	خلاء
مبدأ	مبداء
تلألو	تلألوء

درفارسی، با گذشت زمان، دربعضی موارد حرف همزه به «ی» تبدیل شده است:

بنویسیم	ننویسیم
دایره	دائره
رییس	رئیس
جایزه	جائزه
نایب	نائب
زایل	زائل
فایده	فائده

همی

همواره جدا از کلمه‌ی پس از خود و با فاصله‌ی کامل نوشته می‌شود:
همی گوید

همین، همان

همواره جدا از کلمه‌ی پس از خود نوشته می‌شود:
همین خانه، همان کتاب
استثنا: **همینجا، همانجا**

هیچ

همواره جدا از کلمه‌ی پس از خود، با نیم‌فاصله نوشته می‌شود:
هیچ‌یک، هیچ‌کدام، هیچ‌کس